

زنه میره نجاری میگه: آقا یه کمد بساز برام.

نچار کمد می سازه .

زنه دو روز بعد میاد میگه: اتوبوس که رد می شه کمد می لرزه .

نچاره میگه :چرا مزخرف میگی اتوبوس چه صیغه ایه؟ خلاصه میاد پیچاشو محکتر می کنه و میره .

دوباره فردا زنه میاد میگه: اتوبوس رد میشه کمد می لرزه .

نچار میگه: بابا برای یه کمد پدر مارو در آوردی. اصن من میرم تو کمد می شینم اتوبوس رد شه ببینیم چیه؟

می شینه تو کمد، یه دفعه شوهر زنه میاد خونه در کمدو باز می کنه، میگه: تو اینجا چی کار میکنی؟

نچاره میگه: اگه بهت بگم منتظر اتوبوسم باورت می شه؟